

تبیین مفهوم شوخ‌طبعی و ترسیم مرزهای اخلاقی آن

محمد غلامی، دکتر فریبرز رحیم نیا*، دکتر غلامرضا ملک‌زاده، دکتر علیرضا خوراکیان
گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۰)

چکیده

زمینه: شوخی یکی از ویژگی‌های رفتاری حائز اهمیت اخلاقی و از روش‌های مهم و متداول ارتباطات انسانی است که علیرغم مزایای فراوان، در صورت عدم به‌کارگیری صحیح، ممکن است پیامدهای غیراخلاقی به دنبال داشته باشد، این امر ابهاماتی درباره اخلاقی بودن ذاتی آن به ذهن متبادر می‌نماید. از این رو هدف مطالعه حاضر، تبیین ماهیت و چیستی شوخی و مقایسه آن با مفاهیم مشابه به منظور تعیین حدود و مرزهای آن به عنوان یک ویژگی و رفتار اخلاقی است که برای تحقق آن، از روش مرور روایی در میان تعاریف و نظریه‌های موجود در مقالات و کتب علمی و فرهنگ‌های لغت انگلیسی و فارسی پیرامون موضوع، استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان می‌دهد که شوخی (ویژگی رفتاری) و شوخ‌طبعی (مجموعه‌ای از صفات شخصیتی)، مفاهیم اخلاقی و مثبتی هستند، که اما شوخی در دو صورت می‌تواند پیامدهای منفی به همراه داشته باشد: ۱- عدم توازن در لطافت نقض (خروج از حد شوخی) ۲- به‌کارگیری بیش از حد (به لحاظ تعداد، دفعات و تناوب). به عبارت دیگر شوخی ممکن است پیامد غیراخلاقی در پی داشته باشد، اما شوخ‌طبعی همواره مثبت و اخلاقی است. تبیین مرزهای اخلاقی شوخی، مستلزم مقایسه آن با مفاهیم مشابه و مرتبط است که برای این منظور باید دو قید: ۱- هدفمندی و نیت (مثبت و خیرخواهانه) ۲- کم‌خطر بودن نقض صورت گرفته را در نظر گرفت. بر این اساس در مطالعه حاضر برخی از مفاهیم مرتبط نظیر بذله‌گویی، لطیفه، طعنه، تهکم، تمسخر، اسهتزاز، دست انداختن دوستانه و... با شوخی مقایسه شده است.

کلید واژگان: شوخ‌طبعی، شوخی، مرور روایی، رفتارهای اخلاقی، تمسخر، نقض کم‌خطر

سرآغاز

علیرغم اهمیت نظری و عملی این مفهوم منحصر به فرد، هنوز هم باید اذعان نمود که شوخی، پدیده‌ای مبهم است و پیامدهای دوگانه آن نیز بر ابهام آن افزوده است (۱۱). پیامدهای مثبت و منفی شوخی، این ابهام را به ذهن متبادر می‌کند که آیا این مفهوم، ذاتاً اخلاقی است یا ممکن است منفی و غیراخلاقی باشد؟ هر چند تلاش‌های در خور توجهی در راستای رفع ابهام از این سازه، مسئله‌مند سازی و توضیح پیامدهای مثبت و منفی آن (۱۲، ۱۳، ۱۴) انجام شده است، اما مطالعات مهم اخیر باز هم به تلاش بیشتر برای رفع ابهامات موجود دعوت نموده‌اند (۱۲ و ۱۵). با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه شوخ‌طبعی در داخل کشور، در حوزه زبان‌شناسی بوده و خلأ بررسی اخلاق محور موضوع، احساس می‌شود، این مطالعه در تلاش است که با مرور منابع و تحقیقات رفتاری و اخلاقی انجام شده درباره شوخی و شوخ‌طبعی، زمینه را برای آشنایی با مفاهیم اولیه و مرزهای آن مشخص نماید.

ویژگی‌های رفتاری انسان، زیر بنای مطالعات علوم انسانی را تشکیل می‌دهد و آگاهی از این ویژگی‌ها، می‌تواند نتایج مهمی در راستای پیش‌بینی رفتارها و شناسایی پیامدهای احتمالی آنها به ارمغان آورد. امروزه پرداختن به ویژگی‌های مثبت و منفی رفتاری و نحوه تعامل انسان با اطرافیان، به یکی از علایق پژوهشگران حوزه اخلاق و رفتار تبدیل شده است. یکی از این موضوعات که اخیراً توجه محققین را جلب نموده، شوخ‌طبعی^۱ است. شوخی^۲ یکی از ویژگی‌های رفتاری حائز اهمیت و از روش‌های مهم و متداول ارتباطات انسانی است (۱ و ۲) که مزایای فراوانی به دنبال دارد (۳ و ۴)، اما علیرغم سازنده بودن و مزایای فراوان، ماهیت آن پر مخاطره تلقی شده است (۵ و ۶)، لذا استعاره متداول در تحقیقات علمی برای شوخی، «شمشیر دو لبه» است (۷) که در صورت عدم برقراری توازن (در لطافت نقض) (۸) و شکست در شوخی، می‌تواند آسیب‌زا و غیر اخلاقی باشد (۹ و ۱۰).

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: r-nia@um.ac.ir

علاوه بر این، بیشتر نظریه‌های این حوزه از جمله نظریه دریافت-تفصیل^۵ (۱) در پیش‌بینی خنده در پاسخ به غلغلک با مشکل مواجه‌اند، از این رو ناچارند منابع اولیه خنده مانند غلغلک را متمایز از دیگر منابع شوخی تلقی نمایند (۲۸ و ۱). نظریه معکوس^۶ (۲۹) نیز در تبیین کامل فرایندهای شناختی زیربنایی شوخی پاسخگو نیست. در این میان نظریه نوپای نقض لطیف (کم‌خطر)^۷ (۸ و ۳۰) با تمام انتقادات وارده، نسبت به سایر نظریه‌های موجود، از جامعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار است، چراکه به نوعی، شروط موجود در همه نظریه‌های قبلی را جمعاً لحاظ نموده و اذعان می‌کند که آنها در کنار یکدیگر، شرط لازم و کافی شوخی موفق هستند. در مطالعه دیگر نیز تلاش شده است تا برخی از نظریه‌ها با یکدیگر ترکیب گردیده و چهارچوبی مفهومی در زمینه توضیح فرایند شوخی ارائه نمایند (۱۲).

به نظر می‌رسد مهمترین عوامل ایجاد ابهامات زیربنایی در مطالعه شوخی و شوخ‌طبعی علاوه بر نارسایی نظریه‌های موجود، عدم ارائه تعریف صریح و دقیق از مفهوم شوخی در بسیاری از مطالعات (۱۵)، عدم تفکیک شوخی و شوخ‌طبعی از یکدیگر و کمبود توجه بر وجه اخلاقی شوخی و متعالی شوخ‌طبعی است. البته باید اذعان نمود که در تاریخچه مطالعاتی این حوزه، تعریف دقیقی وجود ندارد که بتوان از آن به عنوان مبنای تعاریف عملیاتی و کاربردی استفاده کرد (۳۱). این امر سبب شده در برخی تحقیقات، شوخی و شوخ‌طبعی به جای یک دیگر به کار بروند (۱۳) و حتی پرسشنامه شوخی، برای سنجش شوخ‌طبعی استفاده شده (برای مثال ۱۰) و امر بر خواننده و محققین مشتبه شود. لذا ارائه تعریف دقیق و صریح از مفاهیم، ضروری به نظر می‌رسد. البته «شوخی» بر اساس «شوخی» تعریف می‌شود، چراکه شوخ‌طبعی به صورت شوخی یا واکنش به شوخی، ظهور و بروز پیدا می‌کند و از قالب صفت شخصیتی، به شکل رفتاری در می‌آید.

در عصر حاضر، شوخ‌طبعی در مفهومی کاملاً مثبت و سازنده به کار می‌رود (۳۲)، اما جالب اینکه این واژه (که تاریخچه جالب و پیچیده‌ای دارد) در ابتدا در معنای کاملاً متفاوتی و حتی معارض با معنای فعلی به کار می‌رفت و با گذشت زمان، مفاهیم آن دستخوش تغییرات فراوانی گردید (۳۳). واژه «شوخی» از واژه لاتین «Humorem» به معنی «سیال آبگونة» یا «مایع» گرفته شده است. در طب سنتی (سده چهارم پیش از میلاد مسیح) بر این باور بودند که سلامتی بدن به توازن میان چهار مایع (طبایع اربعه) که از آنها به «Humor» یاد شده، وابسته است. پس از آن (در سده دوم پس از میلاد مسیح)، این تفکر به وجود آمد که هر یک از این چهار مایع، بار روانی خاصی دارند که غلبه هر یک، سبب بروز خلق‌وخو و شخصیت خاصی می‌شود. تا قرن شانزدهم واژه «Humor» هیچ گونه مفهوم «بازمه بودن» یا «مرتبط با خنده» نداشت. در زبان انگلیسی، واژه شوخی (که از کلمه فرانسوی «humeur» وارد انگلیسی شده بود) پی در پی متحول گردید. پیش از قرن هجدهم، «خنده» معنایی کاملاً منفی داشت و هیچ گونه تمایزی میان «خندیدن با دیگران» و «خندیدن به دیگران» وجود نداشت، زیرا اینگونه فرض شده بود که انواع خنده، مفهوم توهین و مسخره کردن

برای این منظور، لازم است نخست علل ابهام و سپس ماهیت و چیستی شوخی و تفاوت آن با شوخ‌طبعی به روش علمی بیان شود و در پایان حدود و مرزهای آن، به عنوان یک رفتار اخلاقی مثبت تبیین و ترسیم گردد. در این راستا از روش مروری روایی استفاده شده است. مرور روایی، یکی از انواع مهم مطالعات علمی است که در حوزه‌های تازه به بررسی جنبه‌های خاص موضوع، از طریق مرور مطالعات اصیل انجام شده در آن زمینه می‌پردازد و دیدگاه‌های جدید و نکات مهم کم‌تر توجه شده را درباره موضوع ارائه نموده و به ارتقاء دانش علمی در آن زمینه می‌انجامد (۱۶).

تبیین مفهوم شوخی و شوخ‌طبعی

در نگاهی تاریخی، مفهوم «شوخی» به طور کلی در حوزه‌های گوناگون علمی اعم از زیست‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته که در ابتدا، عده کمی این مفهوم را در محیط کار و حوزه رفتار مطالعه و بررسی نمودند (۱۷)، رفته رفته اهمیت موضوع بیشتر نمایان شد و فراخوان‌های دهه هشتاد میلادی (مانند ۱۸ و ۱۹) پژوهشگران را به مطالعه این موضوع، بیش از پیش راغب نمود. اما باز هم مطالعات تا پیش از سال ۲۰۰۰ در حوزه شوخ‌طبعی در حوزه رفتار، پراکنده، اندک و گسسته بود. بالاخره از دهه نخست قرن بیست و یکم توجه محققین به مطالعه شوخی، افزایش یافت و اکنون به نظر می‌رسد که علاقه پژوهشی به «شوخی» در حوزه رفتار و اخلاق، با سرعت بیشتری رو به فزونی است و شواهد مربوط به تعداد روز افزون مقالات منتشر شده در پنج سال گذشته، گواه بر این مدعاست. علیرغم سیر صعودی توجهات محققین مختلف به شوخی و شوخ‌طبعی طی دو دهه اخیر، به نظر می‌رسد هنوز هم مشکلات و ابهامات زیادی درباره این مفهوم وجود دارد (۱۵) و این ابهامات نظری، اغلب ناشی از ابهامات و پیچیدگی‌های موجود در مفاهیم زیربنایی است (۲۰) لذا توجه به مفاهیم زیر بنایی، ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از علل ایجاد ابهام در این زمینه، عدم وجود نظریه جامع و رسا به منظور توجه همه جانبه به این موضوع اساسی است. البته نظریه‌های فراوانی در زمینه شوخی منتشر شده و در آنها تلاش شده است که آنچه سبب می‌شود مسائل خنده‌دار و جالب به نظر برسند، تشریح شود. با این وجود، نظریه‌های شوخ‌طبعی عموماً با مشکلاتی اساسی مواجه هستند. برخی از نظریه‌ها تک‌بعدی هستند و تنها به یک گونه از انواع شوخی مانند لطیفه (۲۱ و ۲۲) می‌پردازند و قادر به توضیح این پدیده در سایر دامنه‌ها و حوزه‌ها نیستند. برخی دیگر از نظریه‌ها مانند کشف استدلال اشتباه^۳ (۲۳) نیز تنها به تشریح کارکردهای شوخ‌طبعی پرداخته و اصلاً قابلیت پیش‌بینی آن را ندارند. در حالی که سایر نظریه‌هایی که رویکردی عام دارند، تلاش می‌کنند همه انواع شوخی را با فرض پیش‌بینی‌های گسترده تشریح نمایند (مانند عدم تجانس (۲۴ و ۲۵)، تفوق (۲۶) و تسکین (۲۷) اما معمولاً به صورت غلط شوخی را پیش‌بینی می‌کنند، مانند برخی از وقایع ناگوار غیرمنتظره. مثلاً، کشتن غیرعمدی یکی از عزیزان، نامتجانس است، همچنین حاکی از برتری و آزادکننده‌ی تنش تهاجمی سرکوب‌شده می‌باشد، اما به هیچ وجه خنده‌دار نیست (۸).

ویژگی‌ها و صفات شخصیتی، به معنای ظرفیت یا استعداد فرد برای ادراک (فهم)، تولید (باز تولید) شوخی و بروز آن در نظر گرفته می‌شود و به طور کلی مشتمل بر ادراک و رفتار است. لذا ویژگی‌هایی از قبیل توانایی درک و سنجش شرایط و هنجارهای مختلف در بسترها گوناگون، پیش‌بینی واکنش مخاطبین، ارزیابی آستانه کم‌خطر بودن نقض، بروز عکس‌العمل مناسب در قبال شوخی‌های دیگران از صفات شخصیتی افراد شوخ‌طبع تلقی می‌شود و همین امر، اصلی‌ترین دلیل تعالی شوخ‌طبعی است (۱۴).

نکته شایان توجه در تعاریف فوق آنکه شوخی شکل رفتاری و ابرازی (بین فردی) دارد، در حالی که شوخ‌طبعی وجه پنهان و مجموعه‌ای از صفات شخصیتی (تفاوت فردی) است (۱۱، ۱۲ و ۱۵). شوخ‌طبعی به توانایی فهم و تولید یا بازتولید شوخی اشاره داشته و مشتمل بر ادراک و رفتار است، اما شوخی صرفاً وجه ابرازی و رفتاری دارد. به طور خلاصه، شوخ‌طبعی مجموعه‌ای از صفات شخصیتی است که به صورت شوخی یا واکنش به شوخی دیگران، بروز پیدا می‌کند و برخورداری از سطح بالای شوخ‌طبعی، سبب تولید شوخی‌های مناسب در بسترهای گوناگون و بروز واکنش مقتضی به شوخی‌های دیگران می‌شود.

اما مطلب حائز اهمیت درباره مثبت بودن ذات شوخی و شوخ‌طبعی آنکه در بطن بسیاری از تعاریف نظری و عملیاتی این حوزه، مرزهای مشخص اخلاقی برای شوخی و شوخ‌طبعی تعیین شده و بر هدفمند بودن و نیت مثبت و خیرخواهانه (۲، ۴۴ و ۹) و همچنین مقبولیت اجتماعی، عرفی و رویکرد غیرخصمانه شوخی (۴۵، ۱۴ و ۸) تأکید شده است تا جایی که در یک مطالعه (۴۶) چنین نتیجه‌گیری شد که واژه «شوخی» فقط برای سبک پیونددهنده شوخی (از سبک‌های «HSQ») مناسب است و محققین باید این لفظ (شوخی) را برای سبک‌های تهاجی و خودارزنده‌ساز به کار نبرند یا با احتیاط به کار ببرند و همچنین برای سبک فروتنانه، از واژه‌های مقتضی دیگری (غیر از شوخی) استفاده نمایند. از سوی دیگر بر اساس نظریه نقض کم‌خطر که در حال حاضر اصلی‌ترین نظریه تشریح مبنای شوخی محسوب می‌شود، شوخی زمانی موفقیت‌آمیز است که نقض صورت گرفته در بطن آن، نه تنها به لحاظ اجتماعی کم‌خطر تلقی شود، بلکه هنجار برجسته دیگری «مقبولیت» آن را نشان دهد (۸ و ۳۰)، بنابراین نقضی که کم‌خطر نباشد، شوخی (موفق) نیست و به اصطلاح از حد شوخی می‌گذرد که این امر به بستر بروز شوخی وابسته است، چراکه ممکن است نوعی شوخی در بستر دانشگاه نقض کم‌خطر تلقی نشود، اما همان شوخی در بستر بازار، نقض کم‌خطر به حساب آید. هنجارهای شوخی در صنایع، شرکت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است (۴۷)، چنانکه تحقیقات نشان داده‌اند که حتی اشکالی از شوخی که ممکن است کاملاً منفی به نظر برسند، در برخی زمینه‌ها خوشایند تلقی شوند و مزایای مثبتی داشته باشند (۴۸).

با توجه به آنچه ذکر گردید، در این مطالعه شوخی و خصوصاً شوخ‌طبعی، مفاهیم اخلاقی و مثبتی در نظر گرفته شده است که در دو صورت می‌تواند پیامدهای منفی به همراه داشته باشد: ۱- عدم توازن در لطافت نقض (خروج از حد شوخی) ۲- به کارگیری بیش از حد (به لحاظ تعداد،

دیگران را دارد. لذا نظریه‌های اولیه محث شوخی (مانند نظریه‌پردازان تسکین و تفوق) نگاهی خصمانه به این مفهوم دارند (۳۳). از قرن هفدهم تا قرن بیستم، برداشت‌های عمومی از مفاهیم پرکاربرد شوخی و خنده، دستخوش تغییرات بسیاری شد و از نگاهی خصمانه، انزجارآمیز و سلطه‌جو (که در نظریه‌های تفوق به چشم می‌خورد)، به نگاهی خنثی و بدون جهت (در نظریه عدم تجانس^۴) مبدل گردید و سپس با مفاهیمی نظیر ترحم، عاطفه و دلسوزی مرتبط شد، تا جایی که سرانجام ترحم و دلسوزی، شرط لازم برای خندیدن محسوب شد (۳۳). این دیدگاه‌های متغیر نشانگر تغییر هنجارهای اجتماعی بود. طی دهه ۱۹۶۰، خندیدن در آمریکا در ملاً عام، حرکتی بی‌ادبانه محسوب می‌شد. حتی در اوایل قرن بیستم، در حوزه‌های اجتماعی (نظیر آموزش، سازمان و سیاست) شوخی و خنده تقبیح می‌شد. اما امروزه، نه تنها امری قابل قبول است، بلکه تقریباً در هر فضای اجتماعی، افراد یکدیگر را تشویق به شوخی و خنده می‌کنند (۲). مفهوم «شوخی‌طبعی» نیز در قرن ۱۹ میلادی ابداع شد. این واژه در ابتدا بار معنایی زیبایی‌شناسانه‌ای داشت و به ظرفیت یا استعداد فرد برای ادراک یا فهم شوخی اشاره می‌کرد، چیزی همانند حس درک زیبایی هنری (۳۳ و ۳۴). بنابراین، شوخ‌طبعی، که یکی از صفات شخصیتی مرتبط با این نوع مثبت از سرگرمی محسوب می‌شد، بار معنایی بسیار خوشایندی از نظر اجتماعی به خود گرفت و یکی از مثبت‌ترین صفات ممکن برای انسان در نظر گرفته شد. در زبان فارسی انبوهی از واژگان مرتبط با خنده و شوخی وجود دارد؛ از قبیل طنز، هجو، مطایبه، شوخی، شوخ‌طبعی، هزل، فکاهی، لطیفه، تمسخر، طعنه، کنایه، بذله‌گویی، لودگی و... که معمولاً در عطف با یکدیگر و بعضاً به جای یکدیگر به کار می‌روند. با عنایت به اجماع نسبی مترجمین و محققین نسبت به انتخاب «شوخی» به عنوان معادل «Humor»، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین و هماهنگ‌ترین واژه (با تعاریف نظری و عملیاتی این واژه در ادبیات اخلاقی، رفتاری و مدیریت رفتار سازمانی) برای معادل «Sense of humor» که یکی از ویژگی‌های شخصیتی انسان به حساب آمده و مشتمل بر ادراک و رفتار است، «شوخی‌طبعی» می‌باشد. در زبان فارسی، «طبع» به معنای خو، سرشت، مزاج و استعداد ذکر شده است (۳۵ و ۳۶) که از زبان عربی گرفته شده و در اصل به این معناست که چیزی، به صورت و پیکر و شکلی درآید و تثبیت شود. لذا به سنجیه و خلق انسان که در وجود او نقش بسته و تثبیت شده، «طبع» گفته می‌شود (۳۷). با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان دریافت که «طبع» فراتر از «حس» بوده و اخلاق و رفتار و ادراک را هم در بر می‌گیرد. شایان ذکر است که واژه‌گزینی این مطالعه، در واژه‌های «شوخی» و «شوخی‌طبعی» همسو با (۳۸) است.

در این مطالعه، مفهوم «شوخی» بر اساس تعاریف برخی از محققان (۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۱) به عنوان ارسال عامدانه پیامی با نقض کم‌خطر (هنجارها) در نظر گرفته می‌شود که به بستر، گوینده و دریافت‌کننده پیام (که در واقع پاسخ‌دهنده به شوخی بوده و میزان موفقیت (شوخی بودن) آن را نشان می‌دهد) وابسته است و مفهوم «شوخی‌طبعی» بر پایه تعاریف چندی از صاحب‌نظران (۴۲، ۴۳ و ۲) به عنوان مجموعه‌ای از

ساییدن از روی خشم، و تلخ‌زبانی کردن گرفته شده است (۵۳ و ۵۴)، این واژه در زبان عربی، در اصل به معنای نیزه و شاخ زدن بوده و سپس به طور استعاره در عیب‌جویی و عیب گرفتن (که هدف آن مانند نیزه زدن، آسیب رساندن به دیگری است) به کار رفته (۵۵) و وارد فارسی شده و در فارسی در معنای سخن کنایه‌آمیزی به کار می‌رود که معمولاً به منظور توهین، تمسخر، و سرزنش بر زبان می‌آید (۳۵). شایان ذکر است که «کنایه» واژه‌ای عام بوده و می‌تواند بدون بار معنایی، با بار معنایی مثبت و یا منفی به کار رود که در حالت منفی، معادل طعنه در نظر گرفته می‌شود. طعنه، مفهومی است که در بر دارنده قصد و ماهیت تهاجمی و پرخاشگرانه است، لذا به عنوان یکی از اشکال پرخاشگری در محل کار، مطرح می‌شود (۵۶). هر چند در برخی از دسته‌بندی‌های شوخی، از «طعنه» به عنوان یکی از انواع شوخی کلامی یاد شده است (۵۷)، اما حقیقت این است که در طعنه، گوینده تلاش می‌کند خصومت خود را با به‌کارگیری ادبیات شوخ‌طبعانه مخفی نماید (۵۸ و ۵۹).

واژه «تهکم» نیز که یکی از انواع خصومت‌آمیز طعنه به حساب می‌آید، در زبان عربی به معنای ویران کردن و فرو ریختن است (۶۰) در اصطلاح به معنای نوعی وارونه‌گویی کلامی است که با بیانی طنزآمیز، کسی را به ظاهر ستایش کنند، اما با لحن کاملاً مشخص در پی تحقیر او باشند (۵۰). بنابراین مسلم است که نه تنها طعنه و تهکم را نمی‌توان جزو شوخی به حساب آورد، بلکه باید آن را در مقابل شوخ‌طبعی قرار داد؛ چراکه به نیت آسیب رساندن و تخریب و تحقیر استفاده می‌شود، در حالی که در شوخی بر نیت خیرخواهانه و مطلوبیت عرفی و اجتماعی افراد، تأکید می‌شود (۲ و ۱۴). شایان ذکر است که وارونه‌گویی کلامی، در صورتی که طنزآمیز و دوستانه باشد و به قصد تخریب به کار نرود، «مجاز مرسل»^{۱۳} یا «وارونه‌سازی کنایه‌آمیز (آیرونی)» نام می‌گیرد و (همانگونه که پیشتر توضیح داده شد) به شرط رعایت حدود اجتماعی و عدم تعدی از لطافت نقض، از انواع شوخی به حساب می‌آید.

دست انداختن دوستانه^{۱۴} (۶۱) به معنای شکستن (و نادیده گرفتن) ویژگی رفتاری، عادات یا ویژگی شخصیتی خاص فردی توسط دوستان و نزدیکان وی، با به‌کارگیری شیوه‌ها و روش‌های شوخ‌طبعانه متعارف (به لحاظ اجتماعی)، به نیت تقویت روابط دوستانه و از بین بردن فاصله (حاصل از ویژگی خاص) او با سایرین است (۴۴). نکته حائز اهمیت در این تعریف «تأکید بر روش‌های متعارف و قابل قبول اجتماعی» و «نیت خیرخواهانه» است که این مفهوم را در ذیل انواع شوخی جای می‌دهد، در غیر این صورت دست انداختن دوستانه، به سربه‌سر گذاشتن آزاردهنده^{۱۵} (۶۱)، آزار کلامی^{۱۶} و یا قلدری^{۱۷} تبدیل می‌شود و پیامدهای مخرب فردی و سازمانی در پی دارد (۶۲). سربه‌سر گذاشتن (آزاردهنده)، با سطحی از خشونت^{۱۸} همراه است (۳۳ و ۶۳). به طور کلی هیچ‌گونه اجماع و توافقی درباره مرز میان دست انداختن دوستانه و سربه‌سر گذاشتن آزاردهنده، وجود ندارد (۶۲) و این مرز کاملاً به شرایط محیطی و فردی وابسته است، با توجه به نیت مثبت نهفته در این مفهوم، در شرایطی که نقض صورت گرفته، کم‌خطر باشد (حد شوخی) و شرایط عرفی و اجتماعی در آن رعایت شود، می‌توان آن را در دسته شوخی‌های

دفعات و تناوب). این شروط در آموزه‌های اسلامی از سوی پیشوایان معصوم (ع) در موضوعاتی چون «مزاح» و «دعابه» مورد تأکید قرار گرفته است (۴۹). در این مطالعه، شوخی، مفهوم مثبتی در نظر گرفته می‌شود، اما نوع‌شناسی شوخی‌های ذکر شده توسط محققین قبلی، کنار گذاشته نمی‌شود، لذا مطالعه حاضر تا حدودی با نتایج یکی از تحقیقات (۴۶) موافق است، با این تفاوت که به نظر می‌رسد همه انواع سبک‌های ذکر شده برای شوخی، می‌تواند «شوخی» تلقی شود، به شرط آنکه از جانب گوینده با قصد و نیت مثبت و خیرخواهانه به کار رود و در عین حال از حد شوخی تجاوز ننموده و نقض کم‌خطر تلقی شود.

ترسیم مرزهای اخلاقی شوخی

تبیین بهتر مرزهای اخلاقی شوخی، مستلزم مقایسه آن با مفاهیم مشابه و مرتبط است که برای این منظور ابتدا باید جایگاه مفهوم مورد بررسی را (با توجه به تعاریف لغوی و نظری) نسبت به شوخی تعیین نمود، سپس در صورت تشابه ساختار مفهومی، در مقایسه آن با شوخی (که ممکن است مفهوم مورد بررسی، جزئی از سازه شوخی باشد یا شوخی جزئی از آن باشد یا این شمول شرطی باشد و یا در تقابل با هم باشند) دو قید را در نظر گرفت: ۱- هدفمندی و نیت (که باید مثبت و خیرخواهانه باشد) ۲- کم‌خطر بودن نقض صورت گرفته. با توجه به سیر تطور واژه «شوخی» و جایگاه آن در انظار عمومی در طول تاریخ و معنای مثبت و اخلاقی نهفته در آن که امروزه مورد تأکید است، ضروری به نظر می‌رسد که شوخی و شوخ‌طبعی از مفاهیم مشابه و نزدیک (که بعضاً در تضاد و تعارض با شوخی است)، تمییز داده شود (۱۴) و این امر تا حدودی به رفع ابهامات زیربنایی در این خصوص کمک می‌نماید.

یکی از مفاهیم نزدیک به شوخی، بذله‌گویی^{۱۹} است، بذله شکل گفتاری دارد و به گونه‌ای کلام اطلاق می‌شود که موجز بوده و باعث ایجاد شگفتی خنده‌آور در مخاطب می‌شود (۵۰) هنگام تعریف بذله‌گویی، عموماً به ذکاوت، ابتکار و هوش گوینده اشاره می‌شود (۳۳) که ناظر بر توانایی وی در ایجاد ارتباط و تمایز پنهان واژگان و مفاهیمی است که مخاطب را در انتظار مایوس نموده و غافلگیر می‌نماید (۵۰) که کاملاً با نظریه عدم تجانس در مباحث شوخ‌طبعی همسو است، از این رو در بسیاری از تعاریف امروزی، بذله‌گویی، به عنوان یکی از انواع هوشمندانه شوخی تعریف می‌شود (۵۱) و در دسته‌بندی‌های شوخی قرار می‌گیرد (۲ و ۳۸)، به شرط آنکه قصد گوینده، تخریب مخاطب نباشد و کلام از حد لطافت نقض، خارج نشود. لطیفه^{۲۰} و حکایت لطیفه‌وار^{۲۱} و وارونه‌سازی کنایه‌آمیز (آیرونی)^{۲۲} نیز وضعیت مشابهی دارند و در صورت رعایت موازین عرفی و اجتماعی، از انواع شوخی به حساب می‌آیند (۲ و ۳۸). توضیح اینکه آیرونی در زبان فارسی به وارونه‌سازی، طعنه، کنایه طنزآمیز، طنزینه، تهکم و... ترجمه شده است، اما هیچ‌یک از معانی فوق، معادل دقیق آیرونی نیست و امروزه از همان «آیرونی» در متون فارسی استفاده می‌شود (۵۲). مثلاً وقتی که هوا سرد و طوفانی است و شخصی می‌گوید «چه روز قشنگی!» از آیرونی استفاده نموده است (۲). اما «طعنه»^{۲۳} ماهیت متفاوتی دارد، طعنه در زبان انگلیسی، از ریشه «sarkasmos» یونانی، به معنای زخم زدن، دندان‌ها را به هم

نتیجه‌گیری

در مطالعه مروری حاضر علل وجود ابهام درباره سازه شوخی و شوخ‌طبعی، نارسایی اغلب نظریه‌های موجود در تبیین وجوه گوناگون شوخی، عدم مبادرت به ارائه تعریف صریح و دقیق از مفاهیم و عدم تفکیک شوخی و شوخ‌طبعی در بسیاری از مطالعات و کمبود توجه به وجه اخلاقی شوخی و شوخ‌طبعی است. لذا در وهله اول تلاش شد تا با بررسی موشکافانه لغوی، تاریخی، محتوایی، نظری و مفهومی شوخی و شوخ‌طبعی و مقایسه آنها با یکدیگر، تفاوت‌های اساسی شوخی (به عنوان ویژگی رفتاری) و شوخ‌طبعی (صفت شخصیتی) با یکدیگر بیان شده و وجوه مثبت و متعالی نهفته در آن (خصوصاً نیت مثبت و خیرخواهانه) آشکار گردد. سپس به منظور تبیین بهتر مفهوم و ترسیم دقیق‌تر مرزهای اخلاقی آن، شوخی و شوخ‌طبعی با مفاهیم مشابه و مرتبط، از طریق دو قید: ۱- هدفمندی و نیت (مثبت و خیرخواهانه) ۲- کم‌خطر بودن نقض صورت گرفته، مقایسه گردید. بر این اساس بذله‌گویی، بیان لطیفه و حکایت لطیفه‌وار، آبرونی، کنایه، مجاز مرسل، دست انداختن دوستانه و مفاهیم مشابه آن که بار معنایی خنثی و بعضاً مثبت دارند، در صورتی که با نیت خیرخواهانه و رعایت حدود و حریم اجتماعی متناسب با بستر به کار گرفته شوند، در زمره رفتارهای شوخ‌طبعانه قرار می‌گیرند، اما مفاهیم تهاجمی توأم با خنده نظیر تمسخر، استهزاء، دست انداختن، سربه‌سر گذاشتن، طعنه، تهمک، هزل، لودگی را که صرفاً با نیت آسیب و تحقیر و تخریب استفاده می‌شوند، نه تنها نمی‌توان از انواع شوخی به حساب آورد (و واژه شوخی بر آنها صدق اطلاق ندارد)، بلکه باید آنها را در مقابل رفتارهای شوخ‌طبعانه قرار داد. مفاهیمی نظیر طنز و کمدی نیز چندان ارتباطی با موضوع ندارند، هرچند طنز می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای بروز شوخ‌طبعی به کار رود. موارد فوق، در حد خود به پالایش تصورها درباره مرزهای اخلاقی شوخی و شوخ‌طبعی و رفع ابهام از این سازه کمک می‌نماید. همچنین بر اساس دیدگاه‌های متداول اخیر درباره لزوم بررسی واقع‌بینانه رفتارهای مثبت و اخلاقی در سازمان و مدیریت و شناسایی حد و حدود و بررسی پیامدهای مطلوب و نامطلوب آن (۶۷) باید توجه نمود که شوخی و شوخ‌طبعی اگرچه فی‌نفسه در زمره رفتارهای اخلاقی و مثبت قرار می‌گیرد (۳۲) و ۴۰) و حتی متعالی تلقی شده (۱۴) و از منابع اجتماعی - عاطفی ارزشمند و بی‌بدیل (۱۲) محسوب می‌شود، اما پیامدهای آن بسیار متغیر بوده و ممکن است، نتایج منفی و غیر اخلاقی در پی داشته باشد (مانند ۶۸ و ۶۹) که این امر به سبب شوخی به کار گرفته شده، بستر، شرایط مخاطبان و... وابسته است و شوخ‌طبعی ناظر به درک مقتضی همین امور و پیش‌بینی مناسب پیامدها در بسترهای گوناگون است. بر این اساس شوخ‌طبعی، به عنوان مجموعه صفات شخصیتی کاملاً اخلاقی و مثبت در نظر گرفته می‌شود که سبب تولید موفق شوخی یا واکنش مناسب در قبال شوخی دیگران می‌شود، اما شوخی در دسته رفتارهای اخلاقی با پیامدهای مثبت و بعضاً منفی قرار می‌گیرد، چراکه شوخی گرچه اخلاقی و سازنده است، اما با توجه به تعاریف بیان شده و تکیه بر

موفق و دست انداختن دوستانه جای داد، در غیر این صورت مشمول، سربه‌سر گذاشتن، آزار کلامی، قلدری و امثال آن می‌شود. مفهوم دیگری که در فارسی، بعضاً نزدیک به شوخی تلقی می‌شود، «تمسخر»^{۱۶} است که به عنوان عکس‌العملی تهاجمی و نوعی حمله در نظر گرفته می‌شود (۳۳) و به معنای به‌کارگیری کلمات یا افعال نامهربانانه‌ای است که به تحقیر و تحقیر دیگری منتهی می‌شود (۶۱). واژه «تمسخر» در اصل از ریشه «سخر» عربی به معنای مطیع نمودن و مسخر و دلیل خود گرداندن، به سبب فعل خطایی است که از شخصی سر زده (۶۴). البته در مطالعه رفتارهای تهاجمی توأم با خنده، بیشتر از مفاهیم دست انداختن، سربه‌سر گذاشتن، طعنه و قلدری استفاده می‌شود و تمسخر و سایر واژه‌های مشابه، طبق جستجوی صورت گرفته توسط محقق، چندان در تحقیقات به چشم نمی‌خورد. به هر حال مفاهیمی از قبیل تمسخر، استهزاء^{۲۰} (تمسخر و تحقیر بدون دلیل و محمل) هجو^{۲۱} و امثال آن که صرفاً بار معنایی منفی دارند، امروزه در زمره «شوخی‌های مقبول» و به طور کلی «شوخ‌طبعی» قرار نمی‌گیرند. همانگونه که پیشتر تشریح شد، اولاً در عصر حاضر (بر خلاف زمان‌های گذشته) شوخی نه بار معنایی خنثی، بلکه بار معنایی و نیت مثبت در خود دارد و تنها به رفتارهایی محدود می‌شود که ارزشمند و به لحاظ اجتماعی، مطلوب است (۱۴)، ثانیاً بر اساس نظریه نقض کم‌خطر، شوخی زمانی موفق به حساب می‌آید که نقض صورت گرفته، لطیف و کم‌خطر باشد و تعدی و تمسخر و تحقیر، در هیچ فرهنگی لطیف و کم‌خطر نیست. مثلاً هزل^{۲۲} که ضد جد و در لغت به معنای بی‌ثمر، بیهوده است (۵۲)، در اصطلاح، به سخنان خنده‌داری گفته می‌شود که بیهوده و گزاف بوده که در حریم‌های ممنوعه اجتماعی وارد شده و حرمت‌های اجتماعی را به باد استهزاء می‌گیرد (۶۵) که این معنا، اولاً بر خلاف هدفمند بودن شوخی است و ثانیاً در نقطه مقابل نقض لیطف و کم‌خطر قرار می‌گیرد. لودگی نیز از مفاهیمی است که بر اساس جستجوی محقق، جایگاهی در مطالعه شوخ‌طبعی ندارد و البته دلیل آن واضح است؛ چراکه توأم با تمسخر، بددهنی و فحاشی است (۲۶) لوده از شخصیت‌های قراردادی کمدی قدیم یونان بود که با پوشیدن لباس و استفاده از گریم مضحک، مخاطبان را می‌خندانند و دیگران را مسخره می‌کرد، اما خود نیز مسخره می‌شد و گاه آزار می‌دید (۵۰) لذا علاوه بر بی‌ارتباطی با شوخ‌طبعی، با ماهیت اخلاقی آن در تضاد است. اما طنز^{۲۳} در اصل به معنای عیب گرفتن و مسخره کردن و کنایه زدن است و شیوه‌ای ادبی تلقی می‌شود که طی آن عیوب فردی و اجتماعی به منظور اصلاح، به صورت خنده‌آوری نمایش داده می‌شوند (۳۵ و ۵۰) واقعیت آن است که طنز بیشتر در هنر و ادبیات مطرح می‌شود و جایگاه قابل توجهی در تحقیقات رفتاری و اخلاقی ندارد. البته هنر طنز می‌تواند در انتقال پیام و تلطیف انتقاد (با نیت خیرخواهانه) به کار گرفته شود که در این صوت می‌تواند یکی از انواع شوخی تلقی شود، با این تفاوت که بیشتر شوخی‌های موفق، برنامه‌ریزی نشده و فی‌البداهه (اما عامدانه) و متناسب با شرایط پیش آمده هستند (۲، ۶۶)، در حالی که طنز، کمدی و امثال آن، در غالب موارد با برنامه‌ریزی و آماده‌سازی قبلی اجرا می‌شوند.

3. Peng L, Lei S, Guo Y, Qiu F. (2020). How can leader humor enhance subordinates' service creativity? The moderator of subordinates' SFIT and the mediator of role modeling. *Leadership & Organization Development Journal*; 41(6): 865-882.
4. Chen H, Ayoun B. (2019). Is negative workplace humor really all that "negative"? Workplace humor and hospitality employees' job embeddedness. *International Journal of Hospitality Management*; 79: 41-49.
5. Bitterly TB, Brooks AW, Schweitzer ME. (2017). Risky business: when humor increases and decreases status. *Journal of Personality and Social Psychology*; 112(3):431-455.
6. Neves P, Karagonlar G. (2020). Does leader humor style matter and to whom? *Journal of Managerial Psychology*; 35 (2): 115-128.
7. Guenzi P, Rangarajan D, Chaker NN, Sajtos L. (2019). It is all in good humor? Examining the impact of salesperson evaluations of leader humor on salesperson job satisfaction and job stress. *Journal of Personal Selling & Sales Management*; 39(4): 352-369.
8. McGraw AP, Warren C. (2010). Benign violations making immoral behavior funny. *Psychological Science*; 21: 1141-1149.
9. Gkorezis P, Petridou E, Xanthiakos P. (2014). Leader positive humor and organizational cynicism: LMX as a mediator. *Leadership & Organization Development Journal*; 35(4): 305-315.
10. Yam KC, Christian MS, Wei W, Liao Z, Nai J. (2018). The mixed blessing of leader sense of humor: Examining costs and benefits. *Academy of Management Journal*; 61(1): 348-369.
11. Martin RA, Lefcourt HM. (1983). Sense of humor as a moderator of the relation between stressors and moods, *Journal of Personality and Social Psychology*; 45(6):1313-24.
12. Cooper CD, Kong DT, Crossley CD. (2018). Leader humor as an interpersonal resource: Integrating three theoretical perspectives. *Academy of Management Journal*; 61(2): 769-796.
13. Mesmer-Magnus J, Glew DJ, Viswesvaran C. (2012). A meta-analysis of positive humor in the workplace. *Journal of Managerial Psychology*; 27(2): 155-190.
14. Ruch W. (1996). Measurement approaches to the sense of humor: introduction and overview. *International Journal of Humor Research*; 9 (3/4): 239-50.
15. Kong DT, Cooper CD, Sosik JJ. (2019). The state of research on leader humor. *Organizational Psychology Review*; 9(1): 3-40.
16. Sohrabi MR. (2013). Principles of writing a review article. *Pejouhandeh*; 18 (2): 52-56. (in Persian)
17. Vinton KL. (1989). Humor in the workplace: It is more than telling jokes. *Small Group Behavior*; 20(2):151-166.

نظریه نقض کم خطر (که مقبول ترین نظریه در دسترس است) در دو حالت ممکن است شوخی پیامدهای نامناسب، پیش بینی نشده و مخربی به همراه داشته باشد؛ ۱- عدم توازن در لطافت نقض (خروج از حد شوخی) ۲- به کارگیری بیش از حد (به لحاظ تعداد، دفعات و تناوب). این شروط در آموزه های اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از این جهت مطالعه شوخی و شوخ طبعی باید با توجه به بستر، نیت و پیامدهای احتمالی مثبت و منفی صورت پذیرد.

ملاحظه های اخلاقی

در این مطالعه، با معرفی منابع مورد استفاده، اصول اخلاقی چون سرقت علمی، امانت داری و رعایت حقوق محققین و پژوهشگران، محترم شمرده شده و از انتشار چندگانه و مجدد مطالعه نیز خودداری شده است.

واژه نامه

1. Sense of humor	شوخ طبعی
2. Humor	شوخی
3. Detection of mistaken reasoning	کشف استدلال اشتباه
4. Incongruity theory	نظریه عدم تجانس
5. Comprehension-elaboration Theory	نظریه دریافت-تفصیل
6. Reversal Theory	نظریه معکوس
7. Benign Violation Theory (BVT)	نظریه نقض کم خطر
8. Wit	بذله گویی
9. Joke	لطیفه
10. Anecdote	حکایت لطیفه وار
11. Irony	وارونه سازی کنایه آمیز
12. Sarcasm	طعنه
13. Metonymy	مجاز مرسل
14. Banter (Taking the piss)	دست انداختن دوستانه
15. Teasing banter (Tease)	سربهسر گذاشتن آزاردهنده
16. Verbal harassment	آزار کلامی
17. Bullying	قلدری
18. Aggression	خشونت
19. Ridicule (or Mock)	تمسخر
20. Raillery	استهزای
21. Lampoon	هجو
22. Facetiousness	هزل
23. Satire	طنز

References

1. Wyer RS, Collins JE. (1992). A theory of humor elicitation. *Psychological Review*; 99: 663-688.
2. Martin RA, Ford T. (2018). *The psychology of humor: An integrative approach*. Cambridge: Academic press.



38. Koestler A. (2014). The act of creation. Translated by: Katiraei A, Sadri Afsha G. Tehran: Ameh Publication. P. 57. (In Persian).
39. Crawford CB. (1994). Theory and implications regarding the utilization of strategic humor by leaders. *Journal of Leadership & Organizational Studies*; 1(4): 53-68.
40. Martin RA. (2001). Humor, laughter, and physical health: methodological issues and research findings. *Psychological Bulletin*; 127 (4): 504-519
41. Cooper CD. (2005). Just joking around? Employee humor expression as an ingratiation behavior. *Academy of Management Review*; 30:765-776.
42. Burford C. (1987). Humor of principals and its impact on teachers and the school. *Journal of Educational Administration*; 25 (1): 29-54.
43. Eysenck HJ. (1972). Foreword. In: Goldstein JH, McGhee PE. (Eds.). *The psychology of humor: Theoretical perspectives and empirical issues*. New York: Academic Press. P. 12-17.
44. Plester BA, Sayers J. (2007). Taking the piss: Functions of banter in the IT industry. *Humor*; 20 (2): 157-187.
45. Hopton C, Barling J, Turner N. (2013). It's not you, it's me: Transformational leadership and self-deprecating humor. *Leadership & Organization Development Journal*; 34(1): 4-19.
46. Ruch W, Heintz S. (2017). Experimentally manipulating items informs on the (limited) construct and criterion validity of the humor styles questionnaire. *Frontiers in Psychology*; 8: 616-630.
47. Niwa S, Maruno SI. (2010). Strategic aspects of cultural schema: A key for examining how cultural values are practiced in real-life settings. *Journal of Social, Evolutionary, and Cultural Psychology*; 4(2): 79-91
48. Terrion JL, Ashforth BE. (2002). From 'I' to 'we': The role of putdown humor and identity in the development of a temporary group. *Human Relations*; 55(1): 55-88.
49. Majlesi MB. (1989). *Bahar al-anvar*. Beirut: Dar ehya al-torath. (in Arabic)
50. Aslani M. (2015). *Dictionary of satire vocabularies and terms*. Tehran: Morvarid Publication. (in Persian)
51. Webster M (2020). Webster dictionary. Available at: <https://www.merriam-webster.com/dictionary>. Accessed: March 18, 2020.
52. Bahreman Z. (2010). Irony and its differences with satire, sarcasm, and other similar rhetorical devices, literary text research. *Persian language and literature*; 14 (45):9-36. (in Persian)
53. Etymonline (2020). Dictionary. <https://www.etymonline.com>. Accessed: March 18, 2020.
54. Oxford (2020). Oxford dictionaries. Available at: <https://en.oxforddictionaries.com/definition>. Accessed: March 18, 2020.
55. Raghieb Isfahani A. (1994). *Mufradat Alfaz Al-Quran*. Beirut: Dar Al-Qalam. (in Arabic)
18. Malone PB. (1980). Humor: A double-edged tool for today's today's managers? *Academy of Management Review*; 5: 357-360.
19. Duncan WJ. (1982). Humor in management: Prospects for administrative practice and research. *Academy of Management Review*; 7:136-142.
20. Fridhandler BM. (1986). Conceptual note on state, trait, and the state-trait distinction. *Journal of Personality and Social Psychology*; 50(1):173.
21. Raskin V. (1985). *Semantic Mechanisms of Humor*. Dordrecht / Boston/ Lancaster: D. Reidel.
22. Attardo S, Raskin V. (1991). Script theory: joke similarity and joke representation model. *Humor*; 4 (3-4): 293-347.
23. Hurley MM, Dennet DC, Adams Jr RB, Adams RB. (2011). *Inside jokes: Using humor to reverse-engineer the mind*. USA: MIT press.
24. Attardo S. (2008). *Semantics and pragmatics of humor*. Blackwell: Language and Linguistics Compass.
25. Suls J. (1972). A two-stage model for the appreciation of jokes and cartoons: An information-processing analysis. *The psychology of humor: Theoretical perspectives and empirical issues*. New York: Academic Press. Pp. 81-100.
26. Monro DH. (1988). *Theories of humor. Writing and reading across the curriculum*. USA: Word Press Pp. 349-355.
27. Buijzen M, Valkenburg PM. (2004). Developing a typology of humor in audiovisual media. *Media Psychology*; 6 (2): 147-167.
28. Provine RR. (2000). *Laughter: A scientific investigation*. New York: Viking.
29. Apter MJ. (1991). A structural-phenomenology of play. In: J. H. Kerr, & M. J. Apter (Eds.). *Adult play: A reversal theory approach*. Amsterdam: Swets & Zeitlinger. Pp. 13-29
30. McGraw AP, Shiro J L, Fernbach PM. (2015). Not a problem: a downside of humorous appeals. *Journal of Marketing Behavior*; 1:187-208.
31. Dixon NF. (1980). Humor: A cognitive alternative to stress? *Hemisphere*; 7: 281-289
32. Gallagher M, Lopez S. (2019). *Positive psychological assessment: A handbook of models and measures*. Washington: American Psychological Association.
33. Wickberg D. (1998). *The senses of humor: Self and laughter in modern America*. Ithaca/NY: Cornell University Press. Pp.50-65.
34. Ruch W. (1998). Sense of humor: A new look at an old concept. In: W. Ruch (Ed.). *The sense of humor: Explorations of a personality characteristic*. Berlin/ Germany: Mouton de Gruyter. Pp.3-14
35. Amid H. (2010). *Amid Persian encyclopedia*. Tehran: Publisher Rahe Roshd. (In Persian).
36. Dehkhoda AA. (1958). *Persian Language Dictionary*. Tehran: Dictionary Organization. (In Persian).
37. Qarashi AA. (1992). *Qamus Quran*. Tehran: Daralkotob Publication. (In Persian).

64. Al-Askari AH. (2010). *al-Furuq al-Lugawiyah*. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (In Arabic)
65. Harry A. (2008). About satire: new approaches to satire and sense of humor. Tehran: Soureh Mehr. (In Persian)
66. Martin RA, Kuiper NA. (1999). Daily occurrence of laughter: Relationships with age, gender, and type a personality. *International Journal of Humor Research*; 12(4): 355-384.
67. Lopes MP, Cunha MP. (2006). All that glitters is not gold: A critically-constructive analysis of positive organizational behavior. Available at: <https://ssrn.com/abstract=941947>. Accessed: Feb 22, 2020.
68. Farmahinifar Farahani M, Benamjam L. (2012). The role of ethics in the fraud reduction of insurance companies from customer’s point of view (case study: Policy holders of auto insurance department). *Ethics in Science and Technology*; 7 (1): 55-64. (In Persian)
69. Salimi M. (2016). Professional ethics elements of general physical education teachers in colleges. *Ethics in Science and Technology*; 11 (2): 51-60. (in Persian).
56. Neuman JH, Baron RA. (1997). Aggression in the workplace. *Antisocial Behavior in Organizations*; 37: 67.
57. Long DL, Graesser AC. (1988). Wit and humor in discourse processing. *Discourse Processes*; 11(1): 35–60.
58. Clifford L. (2012). Think sarcasm is funny? Think again: sarcasm is really just hostility disguised as humor. Available at: <https://www.psychologytoday.com/us/blog/think-well/201206/think-sarcasm-is-funny-think-again>. Accessed: Feb 22, 2020.
59. Heintz S, Ruch W. (2019). From four to nine styles: An update on individual differences in humor. *Personality and Individual Differences*; 141:7-12.
60. Bostani FA. (1996). *Farhang-e- Abjadi*. Tehran: Islamic Publication. (in Arabic)
61. Cambridge (2020). Dictionary. Available at: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english>. Accessed: March 18, 2020.
62. Branch S, Murray J. (2015). Workplace bullying. *Organizational Dynamics*; 44 (4): 287-295.
63. Keltner D, Capps L, Kring A, Young RC, Heerey EA. (2001). Just teasing: a conceptual analysis and empirical review. *Psychological Bulletin*; 127(2): 229-248